

کووید-۱۹ و تنگدستی کارگران زنجیره‌های تأمین جهانی

این متن، ترجمه‌ای از مقاله زیر در سایت دانشگاه «BATH» انگلستان است که توسط تیم داوطلبین «مدرسه توسعه پایدار» (sdschool.ir) و به جهت آشنایی محققان، علاقه‌مندان و سیاست‌پژوهان با ابعاد اجتماعی-اقتصادی بحران کرونا در سطح جهانی و بهره‌گیری از درس‌آموخته‌های آن برای سیاست‌گذاری بهتر در داخل کشور عزیزمان، ترجمه شده است. انتشار این مقاله توسط «مدرسه توسعه پایدار» به معنی هم‌سویی و تائید تمام نظرات نگارندگان مقاله نیست. برای مطالعه بقیه مقالات از این دست، می‌توانید به وبسایت مدرسه توسعه پایدار، بخش منابع، مراجعه کنید. دسترسی به این مقاله و نشر آن، برای اهداف غیرتجاری، رایگان است:



COVID-19 and the destitution of workers in global supply chains

Source: blogs.bath.ac.uk/business-and-society/2020/04/07/covid-19-and-the-destitution-of-workers-in-global-supply-chains/?subscribe=success#487

نویسنده: "آندرو کرین" - ۷ آوریل ۲۰۲۰

مترجم: مریم یزدان پرست-کانون همراهان «مدرسه توسعه پایدار»



یکی از اثرات جانبی عجیب یک پاندمی جهانی برای بسیاری از ما این است که زندگی‌های مان به ناگهان خیلی کوچک می‌شود. در حالی که در خانه‌های مان محدود شده‌ایم، به درون خود می‌نگریم، به چالش‌های جدید خانوادگی که این موقعیت پیش آورده می‌پردازیم- از فرزندان و بستگان مراقبت می‌کنیم، با زندگی کاری‌ای که حالا با مسائل خانه قاطی شده سروکله می‌زنیم، یا فقط سری به سوپرمارکت می‌زنیم- کارهایی که حالا به ناگهان وقت‌گیر و چالشی به نظر می‌آیند. اما پروفیسور اندرو کرین از ما می‌خواهد که (در این میان) زمانی را هم برای فکر کردن به کارگران زنجیره‌های تأمین در جهان اختصاص دهیم. در این جا، او به دنبال اثر قرنطینه‌های خانگی بر اقتصاد و زنجیره‌های تأمین، و هزینه‌های انسانی متعاقب آن است.

زندگی‌های ما به سرعت و عمیقاً تحت تأثیر «کووید ۱۹» در حال تغییر است. کنار آمدن و عادت کردن به روال جدید «ماندن در خانه»، حفظ فاصله، و کار و معاشرت به شکل کاملاً مجازی، نیاز به گذر زمان دارد. اما بگذارید به اشتباه نیافتیم. ما در زمره افراد خوش‌شانس هستیم!

بیشتر کسانی که در حال خواندن این مطلب هستند، قرار است همچنان شغل یا کمک‌هزینه تحصیلی یا وام دانشجویی داشته باشند که قرار نیست پرداختش به ناگهان قطع شود. حتی آن‌هایی که چنین چیزی ندارند، احتمالاً در کشورهایی زندگی می‌کنند که از سیستم رفاه کاری کمابیش کارآمدی برخوردار است که می‌تواند آن‌ها را از سختی‌های شدید محافظت کند. ما احتمالاً افرادی را به خوبی می‌شناسیم که بیمار می‌شوند و در نهایت بر اثر کووید ۱۹ فوت می‌کنند - و بله، تعداد کمی از ما هم ممکن است از پا در بیاییم. اما ما شانس بیشتری از متوسط داریم که با بهره‌گیری از نظام‌های عمومی و خصوصی خدمات سلامت، جان سالم به در ببریم - اگر چه این سیستم‌ها ممکن است ناکامل باشند، منابع کافی نداشته باشند، و یا تحت فشار بیش از حد باشند.

به عنوان پژوهش‌گران و شاغلین حوزه «کسب‌وکار پایدار»، یکی از مسائل دارای اولویت در ذهن ما می‌بایست تأثیر کووید ۱۹ بر میلیون‌ها کارگر روزمزدی باشد که در زنجیره‌های تأمین جهانی در حال محنت کشیدن هستند؛ کسانی که از میزان کمی از سپرده‌های محافظتی که ما از آن‌ها بهره می‌گیریم برخوردارند (البته اگر چنین حفاظتی اصلاً برای آن‌ها وجود داشته باشد). بیشتر این کارگران حتی در بهترین وضعیت، شرایط کاری نامساعدی دارند. اما اکنون، شرایط در «بدترین حالت خود» است. قرنطینه‌های خانگی در سرتاسر جهان باعث شده تا برندها سفارش‌های خود را پس بگیرند - و حتی از پرداخت هزینه سفارش‌های فعلی‌شان، به دلیل این که فروشگاه‌های‌شان بسته و انبارهایشان پر است، سر باز بزنند.

صنعت پوشاک که چیزی حدود ۶۰ میلیون کارگر در سرتاسر جهان به آن مشغولند، یکی از آن‌هایی است که بیشترین تأثیرات بد را گرفته است. طبق یک گزارش اخیر (۱)، تأخیرها و پس‌گرفتن سفارش‌ها "بسیاری از تأمین‌کننده‌ها را واداشته تا کارگران کارخانه‌های پوشاک را بدون هیچ حمایت اجتماعی یا مرخصی باحقوق، اخراج یا از کار معلق کنند؛ که سبب شده یک گروه روزمزدی که (تا) همین الان هم به اندازه کافی آسیب‌پذیر بودند، به سمت آسیب‌پذیری بیش‌تر هل داده شوند". عمده این کارگران، شغل‌ها یا قراردادهای دائمی ندارند؛ بسیاری از آنها حق‌العمل‌کاری می‌کنند و حقوق ثابتی ندارند؛ و یا حتی در جاهایی که حداقل‌هایی از امکانات و حمایت‌های سلامتی و اجتماعی موجود است، این کارگران اغلب به آن‌ها دسترسی ندارند؛ چون حق عضویت/بیمه آن را پرداخت نکرده‌اند.

اگر چه اکثریت چنین کارگرانی در کشورهای در حال توسعه هستند، اما موارد مشابهی در اینجا [مترجم: منظور کشور توسعه‌یافته‌ای مانند انگلستان است که نویسنده مطلب در آن زندگی می‌کند] نیز وجود دارد. به خصوص، در مورد کارگران با قرارداد «صفر-ساعتی» [مترجم: نوعی از قرارداد کاری در انگلستان که شبیه پاره-وقت یا روزمزد در سیستم کاری ایران است؛ ولی کارفرما تعهدی در تأمین حداقل ساعت کاری خاصی ندارد] یا میلیون‌ها کارگر موقتی که جریان محصولات و کالاها را در زنجیره ارزش حفظ می‌کنند. در بسیاری از صنایع، بحران ناگهانی ایجادشده توسط کووید ۱۹، این نیروهای کاری «صرف نظر کردنی» را تنگدست کرده است.

کسانی که بیش‌ترین آسیب را دیده‌اند، آن‌هایی هستند که حتی از قبل هم انواع شدیدتری از سوءاستفاده به سبک «برده‌داری مدرن» را تجربه می‌کردند. هم‌زمان با انقباض جهانی صنایع، احتمال بسیار قوی وجود دارد که این نوع از سوءاستفاده‌ها بیشتر نمود یابد. چرا که افراد در مشاغل متزلزل، بیش از پیش برای یافتن کار دچار مشکل می‌شوند. یکی از نگرانی‌های اصلی برای کارگرانی که در بردگی مدرن گرفتار شده‌اند، این است که آنان در معرض خطر شدید ابتلا به ویروس هستند؛ چرا که آن‌ها هستند که آخر سر به

کارهایی خواهند پرداخت که دیگران از انجامشان اجتناب دارند؛ حتی دریافتی کمتری خواهند داشت، و به سادگی به تجهیزات محافظتی دسترسی نخواهند داشت؛ یا امکان رعایت فاصله اجتماعی برای آنها وجود نخواهد داشت. هم‌چنین با تعویق بازرسی‌های مربوط به رعایت حقوق کارگران (یعنی صفر شدن همین سطح ناچیز بازرسی‌های کنونی)، سوءاستفاده‌های این‌چنینی به نظر غیرقابل‌شناسایی‌تر هم خواهند شد.

هم‌چنین یک امکان بسیار نزدیک به واقعیت – اما معمولاً دور از چشم – هم هست که سوءاستفاده‌گرانی که کارگران را در موقعیت‌های کار اجباری، تحت کنترل دارند، قادر خواهند شد که به بهانه رکود صناعی مانند ساخت و ساز، تمیزکاری، و آشپزی به خاطر کووید ۱۹، اعمال نفوذ کنند تا کارگران را مجبور به بردگی در ازای بدهی کنند. سوءاستفاده‌گران، قادر خواهند بود تا کارگران را با هزینه‌های گزافی به ازای اقامت و غذا بده کار کنند؛ اما دستمزد کمتری به آنها بپردازند و حتی کار کمتری برای آنها فراهم کنند که بدهی‌هایشان را بپردازند. کارگران به سرعت خود را در شرایط وخیم‌تری خواهند دید و مجبور خواهند شد ریسک‌های بیشتری کنند و به شرایط غیرقانونی جدی‌تری تن بدهند.

خب، حال چه باید کرد؟ پژوهش‌گران و فعالان دغدغه‌مند در حوزه سوءاستفاده‌های کارگری و نقض حقوق انسانی در زنجیره‌های تأمین جهانی، برای سالیان دراز، درباره نیاز به مدل‌های متفاوتی از مسئولیت‌پذیری و حصول اطمینان از پاسخ‌گویی صاحبان برندها در قبال کارگران زنجیره‌های تأمین‌شان، بحث‌های طولانی داشته‌اند. اما این کار نیاز به یک شوک عمده برای جابجایی سوزن دارد [مترجم: اصطلاحی به معنای این که باید دردی شدیدی وارد شود تا کار سخت را انجام داد]. برای مثال، تنها وقتی که بیش از ۱۱۰۰ کارگر در فروریختن کارخانه رانا پلازا در بنگلادش در سال ۲۰۱۱ کشته شدند، منجر به پایه‌گذاری فوری راه‌های جدیدی شد که امنیت کارخانه‌ها از طریق «موافقت‌نامه بنگلادش» تأمین شود.

آیا ما اکنون با شوک بزرگ‌تری روبرو هستیم که ده‌ها یا حتی صدها و هزاران کارگر را به خاطر سهل‌انگاری برندها، تنگ‌دست و در حال مردن خواهیم دید؟

خب! دنبال کردن سرنخ‌ها و گرفتن رد علت شواهد، در مقایسه با پاک کردن صورت مسئله و کندن برچسب برندها از میان آوارهای یک ساختمان فروریخته [مترجم: کنایه به پاک کردن صورت مسئله به شکلی سخیف در واقعه بنگلادش سال ۲۰۱۱] کار سخت‌تری خواهد بود. اما ما به عنوان پژوهشگران، شاغلان، فعالان، و یا حتی شهروندانی دغدغه‌مند، می‌بایست توجه‌مان را به هزینه‌های انسانی چنین شوک‌هایی در زنجیره‌های تأمین معطوف بداریم و به راه‌حلهایی برای تأمین بهتر امنیت کارگرانی بیاندیشیم که همه ما به آنها وابسته‌ایم – اما معمولاً از آنها غافلیم و مراقب‌شان نیستیم.

ته نویس:

www.business-humanrights.org/en/major-apparel-brands-delay-cancel-orders-in-response-to-pandemic-risking-livelihoods-of-millions-of-garment-workers-in-their-supply-chains